

تاریخ 2008.07.21

نویسنده: حمید انوری

گفتگو..... (2)

- استاد جان کجاستی که هیچ سرو درکت نیست؟ مثلی که از مرگ ما بیزار استی.
- نی بادر خدا نکنه ، مه خو دمی دفترک خود صبح تا بیگاه قلمک زده شیشتم ، خو پیدای تو ناجوان نیست.
-خو استاد خی از مرگ ما بیزار نیستی هه؟
- بیبی نی ناجوان گپه ده دان (دهن) آدم میتی . خدا صد سال زنده داشته باشی ته.
- چی میگی استاد . اول خو مه گپ ده دان کس نمی تم ، ای یک اصطلاحست . دوم خودت خو کرزی نیستی که نا خوانده امضا کنی و بی فکر جواب بتی و
-چی؟ کرزی صایب چی ره بی فکر جواب داده؟
- ده بیردی گفتن اگه بانی ،میگم استاد.
-برو مه سراپا گوش.
-قصه ایست استاد که میگن کرزی یک سنده ناخوانده امضا کده و ده امی کارش ملیون ها دالر تا وبالا شده.
- ای چی قسم سند بوده که رئیس جمهور ناخوانده امضا کده باشه؟ حتما کسی که سنده بر امضا بورده ، نفر اعتباری و مورد اعتمادش بوده؟
- ای سند میگن مربوط فروش هزاران جریب زمین در ولایت ننگر ها بالای یک تاجر بوده و
-خی ای حکومت هم خاک فروشی ره شروع کده هه؟
-استاد گل خاک فروشی چیزی و زمین فروشی چیز دگه ست. خاک فروشی فروختن مملکت است بالای بیگانه ها، کاری که خلقی ها و پرچی ها کدن و خاکه بالای روس ها فروختن. زمین فروشی ایس که حکومت زمین های حکومتی ره بالای مردم خود کشور فروخته و پول او ره ...
- او جان بیادر مه ای گیا ره میفام ، سر خوده ده ای راه سفید کدیم . اگه سچ و پوست کنده بگوئی ایطو خاد شد که یکی از بر میزنه و یکی از درازی.
- استاد باز شروع کدی ده خیاطی . زمین خو پیران (پیراهن) و تنبان نیست که چپ و راست از بر و درازیش زده شوه.
- او جوان هنوز خام استی . نشنیدی که میگن ((صد سال سفر می باید تا پخته شود خامی)) و خودت جانم هنوز اندر خم یک کوچه استی.
- مه چی غایت گفتیم که مه نیم دنیا ره گشتیم ؟ مه تا امروز از خیر خانه بالا نرفتم استاد ، خم یک کوچه ره خوده جایش بان.
-از امی خاطر میگم که کم تجربه استی. یکی به یک نام فروشه و دگه به دگه نام ده حقیقت کلش یکیست.
- چیره فروشه استاد؟
- خاکه فروشه بدارم ، خاکه !
- مه خو از فروش زمین ها گپ زدم ، نه از فروش خاک .
- زمین و خاک هر دویش یکیست باز ای گپ مه یک وقت می فامی که ما نباشیم . بیا و قصه خوده تا آخر بگو.
- استاد خدا شماره کم نکنه که مام از پالوی (پهلوی) تان چیز چیزی یاد بیگیرم. قصه اده اینجه بود که کرزی صایب یک سنده بدون خواندن امضا کده و هزار ها جریب زمین به قیمت چاکلیت های مینو فروخته شده .
- کی ای سنده پیش رئیس جمهور پیش کده که ناخوانده ازش امضا گرفته ؟
- ای کاره جلیل شمس کده استاد.
- جلیل شمس اش باز دگه کیست ؟
- وزیر اقتصاد اس استاد جان خبر نداری؟
- حساب وزیرا از پیشم رفته گل بیادر ، امروز پیسه ره بیست و پنج تا وزیر اس. کدام شه زودتر بشناسیم ؟
- راس گفتی استاد جان! مگم همی جلیل شمس که وزیر اقتصاد اس ، ای کاره کده.
- الحق که وزیر اقتصاد اس. جنبه اقتصادی مساله را مد نظر گرفته .
- در سفتی استاد! وزیر صاحب اقتصاد خوده ده نظر گرفته و سنده سر رئیس جمهور امضا کده.
- برو جان بیادر کرزی آدم خام نیس که نا خوانده امضا کده باشه ، اول اقتصاد خوده مد نظر گرفته باز امضا کده.

تعداد صفحات: 1 از 4

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

- راس میگی استاد، راستی که پشت ورقه میخانی، حتما ساختک و بافتک کده باشن. مره بگو که باور کدم که کرزی صایب سنده نا خوانده امضا کده .
- هرچند نباشه از شما ها کده یکی دو پیران بیشتر کهنه کدیم و چندین پاچا گردشی ره دیدیم . نگفتی که ای زمین ها ره کی خریده . خارجی اس یا داخلی؟
- زمین ها ره یک تاجر داخلی خریده .
- چند جریب زمین اس بادر؟
- میگن 6500 جریب زمین اس استاد.
- پناه بخدا! حتما یک شار (شهر) جور میکنه هه؟
- نی بابا شار نی خوده جور میکنه . ده ای ملک کی ده قصه جور کدن اس استاد. هرکس ده فکر جیب خود اس. ای زمین ره به قیمت چاکلیت مینو خریده و سر مردم ده چند قیمت تر مفروشه و پولهایشه ده بانک های خارج ذخیره میکنه .
- جریب چند مفروشه که مام یک جریب بخیریم و جل و پوستک خوده بسته کده ننگر ها بریم . ده کابل خو نه او (آب) اس و نه برق و نه امنیت و نه کار و بار و روز تا روز آب و هوایش هم کثیف و کثیف تر شده میره ، بیخی به نفس تنگی افتادیم.
- استاد گل فکر کدی که ما و خودت هم به قیمت چاکلیت از او تاجر زمین خریده میتانیم. خی فایده تاجر چی استاد؟
- خیر اس باز یک کمی مفاد برش میتیم .
- کمی مفاد کاشکی میبود استاد جان. آغه بیادر ما زمینا ره از دولت جریب 30 هزار افغانی خریده و حالی هر جریبه بالای مردم به 36 لک افغانی مفروشه. ما و خودت استاد تمام زندگی خوده که بفروشیم ، یک بسوه هم خریده نمی تانیم .
- او خدایا ! راستی که ای زمینا به قیمت چاکلیت مینو فروخته شده . باید پول های کلانی در جیب های وزیر اقتصاد و رئیس جمهور رفته باشه.
- بخدا مالوم (معلوم) استاد. خدا خودش بهتر میدانه.
- بی شک که بخدا مالوم ، به ما و تو و مردم هم مالوم اس دگه ، زمینی که جریب 36 لک افغانی بفروش برسه و دولت او زمینها ره جریب 30 هزار افغانی فروخته باشه ، یک جای کار باید لنگ باشه. درست اس یا نی ؟
- درست اس استاد . میگن مردم محل آماده بودن که امی زمینا ره ده داوطلبی به قیمت بسیار بالاتر بخرن ، اما دولت داوطلبی نکده و به قیمت ارزان تر سر امی (همین) تاجر فروخته .
- مالوم اس دگه ، اگه داوطلبی میکد باز جیب وزیر اقتصاد و رئیس جمهور خالی می ماند. از رئیس جمهور کی بازخاس (بازخواست) کنه. نشنیدی که میگن (هرچه بگندد نمکش می زند ، وای به روزی که بگندد نمک) .
- از رئیس جمهور خو باز خواس نمی شه استاد، مگم وزیر اقتصاده ده پارلمان خوسته بودن که جواب بته .
- باز چی جواب داد؟ مه خو تلویزیون ندارم ، نوسه کاکای بابیم تلویزیون داره مگم یک روز برق دارن و شش روز نی . ای بی برقی مردمه کشت . اول مردمه بی آب کدن و باز بی برق . کم اس که آبروی مردمه هم لیلان کنن .
- استاد ! کجا بر مردم آبرو ماندن که باز لیلان کنن. امی وزیر اقتصاد به وکیلا گفته که : «رئیس جمهور اگر نخواند وای به حالش ! اگر رئیس جمهور بدون این که بالای فروش زمین غور کند، سند را امضا کند وای بحالش ! این و وظیفه رئیس جمهور است که آن را بخواند. در صورتی که رئیس جمهور سند را نخوانده، پس چرا برای من می گوید که تو مطالعه کن؟ رئیس جمهور از من خواسته بود تا نظر مشخص خود را در این مورد برای او روان کنم و من هم همین کار را کردم» .
- راس گفته ، اما مه میگم که نه وای به حال رئیس جمهور و نه وای بحال وزیر اقتصادش ، وای به حال مردم .
- استاد جان وای به حال مه که گلونم خشکی کد .
- خدا نکنه بیادر گل که وای به حال تو یا مه شوه . چاره خشکی گلون یک پیاله چای اس و بس خلاص ، نه ضرر مه به کس رسیده و نه ضرر تو . ده امی گوشه خود شیشته شولی خوده خورده پردی خوده میکنیم .
- استاد دمی گرمی چای نفسه میکشه . کدام گیلاسک دوغ نداری؟
- ده شکم گشنه دوغ ؟
- استاد یک دانه گک نان خشکه قنیش قطع میکنیم و اگه یک دانه گک پیازم داشته باشی خو نور الله نور .
- پیاز داریم جان بیادر ، خانه گرگ بی استخوان نیس. مگم نان خشک و دوغ نداریم. دوغ فروش امی سات (ساعت) ها پیدا میشه و گلو رام پشت نان روان میکنم. جوانه مرگه نیم نانه ده راه میزنه مگم چاره نیس .
- برو استاد امروز مهمان مه باش پیسه نان و دوغ ده گردن مه .

- نی جان بیادر مه کتی دوغ فروش حساب و کتاب دارم ، ده آخر ماه پیسی شه یکجائی میتم. آدم خوب اس ، ده امی دوغ فروشی خود چار سر عیاله می چلانه . از اولی (ابله) قف (کف) دست خود نان میخوره. دوغ فروشی هزار بار بهتر از خاک فروشی اس.

- چطو(چطور) امی گپت ده دلم نقش شیشیت استاد. کاش هرکس ای گپه بفامه .شاعر چی خوب گفته استاد:

دست طمع که میکنی پیش کسان دراز پل بسته ئی که بگذری از آبروی خویش

- ای بیادر جان ، پیش کله خر یاسین خاندن(خواندن). ده گوش کر خاک فروشا نمی ره .خوده ده در بی غیرتی زده و چاشت و شو (شب) ماهیچه پلو میزنن.

- برو مه میگم زار (زهر) شان شوه استاد.

- الهی آمین. او بچه گلو بیا ای پیسه ره بیگی و یک شش تا نان بیار .

- استاد! دو تا نان بس نیس (نیست)؟

- دو تا نانه خو تنأ (تنها) گلو میخوره ، دو تا نان دگه ره ده دوغ تر کنیم دوی دگیشه کتی (همراهی) پیاز قطع کنیم ، میشه شش نان.

- استاد ده امی نان خشکام برکت نمانده ، ده سابق ده یک نان سیر میکدی ،مگم حالی ده چار تام (چهار تا هم) سیر نمی کنی ، یک خاشه شده .کول (تمام) نانه تو (تاب) بتی یک لغمه (لقمه) میشه .

- بیا پشت گپ نگرده بیادر ، اینه دوغ والا هم رسید.

- ای گلو چی شد استادجان؟

- گلو می رسه ، بسیار بازیگوش اس ده پیش هر مداری که رسید ، دانش (دهان اش) واز (باز) می مانه .

- مداری گفتی استاد ، ده ای دور و زمانه کول سیاست بازی ما مداری شدن. سرمه ره از چشم می زدن.

- مقصدت چیست؟

- ده امی یک چشم بهم زدن ملیونها دالره غیب میکنن ، نفامی که چی شد.

- ای سیاست مدارای امروز ما وشما از اول هم یا مداری بودن یا کلینر بس های شهری یا کیسه بر....

- ای ره چی میکنی استاد که حالی پشت خبرنگار ره گرفتن.

- از اول گرفته بودن . ندیدی که چطو یک تعداد شانه فرار ملکا (ملک ها) ساختن و یک تعداد دیگی شانه ده زندانها انداختن و یک تعداد دیگی شان منتظر اعدام خود استن.

- مگم ای دفعه دگه قسم چال رفتن استاد.

- چی چال؟

- نصیر (فیاض) ره پیش از ایکه مداری های وزیر شده شانه افشا کنه ، به رشوت خوری متهم کدن. یک مداریش که وزیر آب و برق اس به رئیس جمهور شکایت کده که (فیاض) ازش برق بیست و چهار ساعته خواسته و دیگیش که نمی دانم وزیر چیس گفته که (فیاض) از مه پول خواسته و

- آه خبر شدم ، خانه نواسه کاکای بابیم بودم و از قضا فلکی امو شو برق داشتن ، باز جریانه دیدم و به عقل مداری های کرزی خندیدم.

- چرا خندیدی استاد؟ خوب چال خو رفتن ، برف بام خوده ده بام دگا انداختن ، خیر و خلاص.

- او بیادر بیی کول (تمام) مردم کابل برق 24ساعته میخاین (می خوانند)، پس کل مردم کابله زندانی کنن دگه . ده ای هفت سال وعده کدن که امروز یرق کابل بیست و چهار ساعته میشه ، صوب (صبح) 24 ساعته می شه ، امروز و صوب کده ، هفت سال تیر شد ، لالایت روز یک سات (ساعت) هم برق نداره . او (آب) خوردن خو کیمیا شده .

- وزیر مداری دگیش از پیشیت ماند استاد.

- او مداری خو خودش هیچ هنر نداره تمام روز ده تلویزیون طلوع به نام بابی(پدر) خود افتخار میکنه که هیچ کس تغیر داده نمی تانه که بچه فلان ابن فلان اس.

- مه که می بینم ای وزیرام برق واری پیسای آمده گی را غیب و غارت میکنه .

- چی کنه که نکنه بادار گل ؟ دگه کاره خو بلد نیس.

- کاش امی وزیرا امو کلینری خوده میکدن یا باز مثل دوغ والای ما دوغ فروشی کده یک لقمه نان حلال می خوردن و از امی مداریکری تیر میشدن ، وطن ما آباد میشد و خدام خوش و بندیشام و دست ما پیش هر کس و ناکس دراز نمی شد.

- باز نگفتی که آغای (فیاض) چی شد؟

- چی میخاستی شوه ؟ از زندان آزاد شد مگم سایه واری دنبالش میگردن.

- کی میگرده؟
- کی می کرده استاد جان؟ مالومدار که نفرای امنیت ملی پشتش میگردن و سایه واری دنبالش میکنن.
- چرا؟ مگم برق خاستن امنیت ملی ره ده خطر انداخته؟
- امنیت ملی ره ده خطر ننداخته، امنیت مولی ره ده خطر انداخته.
- امنیت مولی باز دگه کدامش اس؟
- امنیت وزیر برقه و امنیت وزیر نمی دانم چی ره.
- چرا اگه مردم برق دار شدن، باز امنیت وزیرا ده خطر میشه؟
- خورد و خورد و خویشت خوری و چور و چپاول و نادانی و بیکاره گی شان فاش میشه.
- ای ره خو کول مردم میفامن.
- مردم میفامن، مگم خودشان نمی فامن یا خوده ده نافیامی (نا فهمی) زدن ومثل کوک (کبک) سر خوده زیر ریگ کدن و فکر میکنن که کسی نمی بینی شان.
- مداری خو شاخ و دم نداره، امی خودش یک نوع مداری گریس.
- خی قصه ای ((حقیقت)) مفت شد...هه؟
- قصه ((حقیقت)) ده ای ملک از روز اول مفت بود.
- باز آغای (فیاض) چی شد؟
- از گیر امنیت ملی ده فرار اس و ده کدام جائی پت شده. اگه خدای ناخاسته امنیت ملی ببینیش، باز خدا خیرشه پیش کنه.
- والله اکه کس پرسان کنه.
- نی خدا نگوانش (نگهبانش) باشه مرد آدم اس.
- امی خو دعای تمام مردم افغانستان اس استاد که خدا (فیاض) ها را زنده داشته باشه، اما ای خو کافی نیس.
- میفامم قربانت شوم. شما جوانا که نویسنده استین (هستید) و قلم دارین، تا میتانین مقاله نوشته کنین و مداری های حکومته و زد و بند هایشانه افشا کنین و طرفداری تانه از آزادی بیان و از حقیقت و از فیاض ها و کامبخش ها نشان بتین و نگذارین که ای مساله خاموش شوه. ما مردم که اخبار و الاستیم نوشتای تانه ده امی طلاق نشریه های خود چاپ میکنیم. روز ده مقاله نوشته کنین، کله چاپ میکنیم. مام کم از فیاض نیستیم جان برادر.
- زدیم استاد، پرتو چک ته، مه از امی دقه (دقیقه) شروع میکنم. اینمی دوغکه نوش جان کده از حضورت رخصت میشم. اول خو از امی مندئی (مندوی) یک دانه گک قلم خود نویس بیگ میخرم که قی نکنه، باز مه میدانم و مداریای کرزی و امنیت مولیش.
- برو قربان مه میگم خدا کمت نکنه، تخت و بختت برقرار باشه، هر کدام تان یک فیاض استین.
- استاد زود زود نشر کنی و از فلکش نترسی. ای امنیت مولی و امنیت کچالو ره ما وشما بسیار دیدیم.
- نی جان بیادر ده قصه ترس نباش، یک روز ده دنیا آمدیم و یک روز ام میریم. اگه امنیت مولی نبورده بودیم، نوشتای ته رد ده رد چاپ میکنم.
- مه میگم ای ولایت استاد راستی که مرد استی. مه خو تا که امنیت مولی بسراغم نامده نوشته کده میرم. آغای فیاضه به کمک خدا و خودت تنا (تنها) نمی مانیم، آه بس فامیدی که اس استاد، خرابته نبینم. مرد آدم اس دگه.